

تأسیس دارالفنون راهبردی برای استقلال ایران با اتکا به توان و دانش بومی

مروری بر تاریخ روابط سیاسی و بین‌المللی ایران با دیگر کشورها به‌ویژه در چند سده اخیر، نشان‌دهنده آمار زیادی از جنگ‌ها و منازعات است. در این راستا اگر بخواهیم علت و هدف اصلی تأسیس دارالفنون را مورد بررسی قرار دهیم، شاید لازم باشد نگاهی بر روابط و منازعات ایران از زمان صفویه تا دوره قاجار به ویژه تا زمان تأسیس این مدرسه مهم داشته باشیم تا بدانیم اندیشه اتکا به توان بومی در زمان تأسیس دارالفنون چرا شکل گرفته است. حتی چرا این اندیشه در رهبران انقلاب اسلامی نیز دوباره بازآفرینی شده است.

در دوره صفویه بیش از ده جنگ عمده رخ داد که بیش‌ترین و مهم‌ترین درگیری‌ها با امپراتوری عثمانی بود. اولین جنگ بین دو کشور، ایران و عثمانی معروف به جنگ چالدران در سال ۹۱۹ هـ.ق رخ داد که متأسفانه به دلیل نداشتن سلاح گرم و عقب‌ماندگی ابزاری ایران منجر به شکست و جدا شدن بخش‌هایی از سرزمین ما شد. اما در زمان شاه عباس اول ایران توانست بسیاری از مناطق از دست رفته را باز پس گیرد و آخرین جنگ ایران و عثمانی در دوره صفوی (۱۰۳۲-۱۰۴۸ هـ.ق) است که در نهایت منجر به صلح زوهاب شد.

تمامی این جنگ‌ها باعث شد که ایران در اوایل دوره صفوی از نظر نظامی قوی و از نظر فرهنگی، آمادگی کامل برای تشکیل یک ملت واحد را فراهم کند. در دوره صفوی به‌ویژه زمان شاه اسماعیل اول و شاه‌عباس اول به‌طور ویژه‌ای به ساخت و تجهیز قوای نظامی اهتمام شد. توسعه توپخانه توسط شاه عباس اول با کمک کارشناسان نظامی اروپایی از جمله برادران آنتونی و رابرت

شرلی^۱ صورت گرفت.

در دوره نادری، اولین نبرد نادر با افغان‌ها، (۱۱۳۹-۱۱۴۱ هـ ق) بود که آن‌ها را از ایران بیرون راند و در درگیری‌های بعدی با هند (۱۱۴۹-۱۱۵۲ هـ ق) و عثمانی و روسیه (۱۱۴۲-۱۱۶۰ هـ ق) موفق به بازپس‌گیری مناطق شمالی ایران شد. نادرشاه با سرمایه‌گذاری بر تقویت بنیه نظامی به ویژه بر توپخانه و سلاح گرم در اکثر جنگ‌ها پیروز شد علاوه بر آن تأسیس نیروی دریایی از مهم‌ترین اقدامات نادر بود که باعث عظمت و استقلال مجدد ایران شد.

در دوره قاجار شکست ایران در جنگ‌های اول و دوم ایران و روس (۱۲۱۸ تا ۱۲۲۸ و ۱۲۴۱-۱۲۴۳ هـ ق) منجر به عهدنامه ننگین گلستان و ترکمانچای و جدا شدن ۶۵۰ هزار کیلومتر از سرزمین ایران شد.

این شرایط و شکست‌های تحقیرآمیز این سوال را برای حاکمان مطرح نمود که چگونه ارتش و قوایی منظم و سیستمی با اتکا به دانش و تجهیزات بومی ایجاد کنند. به همین دلیل اولین اقدام، اعزام محصل به خارج بود که چندان اثربخش نبود. دومین گام با دیدن مراکزی مشابه در کشورهای مختلف توسط صاحب منصبان انجام شد که منجر به تأسیس دارالفنون توسط امیرکبیر با هدف تقویت بنیادی بنیه نظامی کشور انجام شد. گرچه امیرکبیر چند روز قبل از تأسیس مدرسه دارالفنون توسط ایادی استعمارگران به شهادت رسید اما به دلیل اثرات فرهنگی و علمی این نهاد علمی کم‌کم کارخانه‌های مهمات‌سازی و توپ‌ریزی در تهران دایر شد، کتاب‌های درسی متعدد در زمینه آداب جنگ، قوانین و آموزش‌های نظامی تألیف و ترجمه شد که منجر به قوای نظامی آموزش‌دیده شد. اما همه این اقدامات با آنچه نیت امیرکبیر بود، به دلیل وجود مدیران نالایق و وابسته به استعمارگران محقق نشد و متأسفانه ایران به لحاظ نظامی و صنعتی وابسته‌تر شد به‌طوری‌که این ضعف توان ملی و وابستگی به غرب باعث کودتای ۱۲۹۹ شد و بعد از آن نیز ایران از نظر صنعتی و نظامی و فناوری تا آخر دوره پهلوی کمتر متکی به توان بومی بود، بنابراین با هر جنگ و درگیری از جمله جنگ‌های جهانی اول و دوم، ایران سریعاً زمین‌گیر و اشغال شد.

این تجربه بعد از انقلاب اسلامی و با جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران، نشان داد وابستگی به بیگانگان مانع استقلال طلبی و حفاظت مقتدرانه

۱. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران، امیرکبیر، ۱۳۹۳، صص ۵۵-۵۸.

از کشور است، بنابراین باید به دانش بومی این مرز و بوم
اتکا نمود.

ایران در جنگ تحمیلی دوازده روزه و جنگ رمضان (۱۴۰۴ هـ.ش) با
امریکا و رژیم صهیونیستی نشان داد، ایجاد، تقویت و دستیابی به دانش بومی
توانسته است جمهوری اسلامی ایران را به نیروی نظامی قوی و بازدارنده برای حفظ
امنیت و استقلال خود و قدرتی بلامنازع در منطقه تبدیل کند.
امید است استقلال ایران که در طول قرن‌ها با شهادت و خون پاک هزاران شهید
سرافراز از امیرکبیر تا کودکان بی‌گناه مدرسه میناب، سربازان، فرماندهان، رهبر
معظم شهید انقلاب اسلامی و جمع بیشماری از مردم، پاسداری، حفاظت و
صیانت شده، باقی و ماندگار بماند.

غلامرضا حمیدزاده*

*gdarulfunun@gmail.com